

## سرمایه اجتماعی، توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین و بازار کار شهری

### مطالعه موردی: جامعه زنان محله‌های اسکان غیررسمی تبریز

برائلی خاکپور (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

khakpoor@um.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۷/۳۰

#### چکیده

بر اساس ادبیات موجود، سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای از هنجارها و قوانین و شبکه‌های غیررسمی که همراهی، اعتماد و کنش جمعی برای به‌دست‌آوردن کالای عمومی را فراهم می‌کند و شامل جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که کنش جمعی را تسهیل می‌کند و منابعی را جهت دستیابی مردم به اهدافشان در اختیار آنها می‌گذارد. پروژه‌های توانمندسازی بانک جهانی که از اواخر دهه ۱۹۸۰ در بسیاری از کشورهای جهان سوم به اجرا گذاشته شده است، به دنبال آن است تا با نگرش غیرتقلیل‌گرایانه فراکالبدی و ادغام مسائل فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی، تحول و پویایی اجتماعات محلی را بر مبنای شبکه‌های اجتماعی محلی پیش ببرد. نسبت جنسی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی تبریز ۱۰۴ است. بنابراین؛ حجم عظیم جمعیت سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر تبریز را زنان تشکیل می‌دهند که با توجه به نگرش‌های فرهنگی مردسالارانه از بسیاری از فرصت‌های شغلی و ورود به بازار کار شهری محروم مانده‌اند. متوسط نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی کلان‌شهر تبریز ۸/۸۲ درصد است که این میزان در محله‌های اسکان غیررسمی مورد بررسی (ملا زینال، احمد آباد، خلیل آباد، سیلاب) ۵/۶ درصد است. حضور مداوم آنها در فضای جغرافیایی اسکان غیررسمی زمینه تولید سرمایه اجتماعی را فراهم کرده است که به منظور توانمندسازی جهت ورود به بازار کار شهری، نیازمند مکانیسم‌های منعطف و تسهیل‌کننده هستند. ماهیت متأخر بازار کار شهری نیز تا حدودی به این موضوع واقف شده و با قراردادهای فرعی فرصت‌هایی را برای تشکیل کسب‌وکارهای کوچک مبتنی بر نظام کار خانگی یا تعاونی مکان-مبنا فراهم ساخته است. این مقاله به امکان‌سنجی سرمایه اجتماعی در توانمندسازی و تشکیل نظام‌های کار نو در میان جامعه زنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی جهت ورود به بازار کار شهری می‌پردازد. انعطاف بازار کار شهری در برابر کارآفرینی-گرایی اجتماعات محلی ناشی از گذار به انباشت انعطاف‌پذیر در نظام اقتصادی-اجتماعی بزرگ‌تر است. موضوع مقاله در چارچوب نظری پسافوردیسم و گذار به انباشت انعطاف‌پذیر بحث شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین سرمایه اجتماعی جامعه زنان محله‌های اسکان غیررسمی تبریز که تولید و تداوم آن مسبوق به حضور ایشان در فضای جغرافیایی همسان است و توانمندسازی آنها برای ورود به بازار کار منعطف و کارآفرینی مبتنی بر تعاونی مکان-مبنا رابطه معنی‌داری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، بازار کار شهری، توانمندسازی، کارآفرینی، انباشت انعطاف‌پذیر، تبریز.

## ۱. مقدمه

## ۱.۱. طرح مسأله

گنورگ زیمل جامعه‌شناس معروف آلمانی معتقد است که مراکز بزرگ شهری در جهان مدرن موجب تغییری در زندگی انسانی می‌شوند و مستلزم قابلیت‌های متفاوتی هستند از قابلیت‌هایی که شهر کوچک و حومه ایجاب می‌کند (پیری، ۱۳۹۰: ۵۲). این قابلیت‌ها موازی با اقتصاد پولی‌اند (کرایب، ۱۳۸۸: ۲۸۶-۲۸۷). رابطه اجتماعی، عنصر پیونددهنده کنشگران منفرد به یکدیگر است که این عنصر می‌تواند کیفیت‌های متفاوتی به خود بگیرد. یکی از مفاهیم منتج از این روابط، مفهوم سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup> است که مولود روابط کنشگران در بازی‌های<sup>۲</sup> مکرر است. تأثیرات اجتماعی<sup>۳</sup> اقتصادی و همچنین، منابع اصلی و سازوکارهای گرد آوری آن علت اصلی مطالعات انبوه و فراوانی است که مخصوصاً از دهه ۱۹۹۰ روی این مفهوم صورت گرفته است (Huang, Brink and Groot, 2009: 454) و در طول دو دهه گذشته تحقیقات زیادی، رابطه بین سرمایه اجتماعی و موفقیت تحصیلی، کارایی، حکمروایی، توسعه اقتصادی و بسیاری از پدیده‌های دیگر را نشان داده است (Snelgrove, Pikhart and Stafford, 2009: 1993). بر اساس ادبیات موجود، سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای از هنجارها و قوانین و شبکه‌های غیررسمی که همراهی، اعتماد و کنش جمعی برای به‌دست‌آوردن کالای عمومی را فراهم می‌آورد و شامل جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که کنش جمعی را تسهیل کرده (Suzuki, 2010: 1368) و منابعی را جهت دستیابی مردم به اهدافشان در اختیار می‌گذارد. یکی از تغییر و تحولات عمده متأخر می‌توان به افزایش نقش زنان، به‌ویژه مشارکت و حضور فزاینده آنها در نیروی کار رسمی اشاره کرد (نوذری،

۱۳۸۰: ۳۵۴)؛ بنابراین، با افزایش نسبت متوسط حضور زنان در جایگاه‌ها و مشاغل رسمی می‌توان به شکسته‌شدن تابوی فرهنگی و مردسالارانه پدیده غیبت زنان از جمله زنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی در بازار کار امیدوار بود. آمارتیا سن معتقد است که با گذار از دوره‌ای که احقاق حقوق زنان صرفاً معطوف به رفاه و دسترسی بود<sup>۴</sup>، زنان دیگر دریافت‌کنندگان منفعل کمک‌های رفاهی نیستند و به نحوی روزافزون هم از طرف مردان و هم از سوی خویش، نقش‌آفرینان فعال تغییر به حساب می‌آیند؛ یعنی به عنوان معرفان فعال آن نوع دگرگونی-های اجتماعی که قادرند هم زندگی زنان و هم زندگی مردان را تغییر دهند (سن، ۱۳۹۱: ۳۲۱). با توجه به دگرگونی ساختاری بازار کار و مرکزیت‌زدایی از ساختارهای کلان به نفع انعطاف‌پذیری و تولید مبتنی بر کارگاه<sup>۵</sup> سرمایه اجتماعی واجد جایگاه واقعاً ارزشمندی برای توانمندسازی جامعه زنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی است. با توجه به حضور مداوم و طولانی زنان در محله و واحدهای همسایگی، فضای جغرافیایی محله، زمینه بازتولید و تقویت کنش متقابل و از این رهگذر بازتولید سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورد که تجمیع آن در تولید مبتنی بر کارگاه و تشکیل تعاونی مکان<sup>۶</sup> مبنای باعث شکل‌گیری فضاهای امید<sup>۷</sup> به جای فضاهای ناامید قبلی می‌شود. ماهیت بازار کار منعطف با قراردادهای فرعی و مفرهای بیمه و حقوق بازنشستگی و تأمین اجتماعی همراه است که این موارد جزو امتیازات بازارهای کار فوردیسم بود. بنابراین، توانمندسازی جامعه زنان، سکونت‌گاه‌های غیررسمی از رهگذر سرمایه اجتماعی و تشکیل تعاونی‌های مکان<sup>۸</sup> مبنای

۳. کتاب کلاسیک خانم ماری ولستونکرافت (Mary Wollstonecraft) با عنوان *استیفای حقوق زنان* که در سال ۱۹۷۲ چاپ شد معرف یک برنامه کلی «احقاق حقوق» است که در آن مطالبات زیادی مطرح شده است

4. Lean production

5. Place-based cooperation

۶. Spaces of Hope مفهومی برگرفته از عنوان کتاب دیوید هاروی به

همین نام.

1. Social Capital

2. Game

باعث پایداری و مقاومت بهتر در برابر ریسک‌های ناشی از بحران‌های ادواری سرمایه‌گذاری کارفرمایان می‌شود. مسأله‌ای که تحقیق به دنبال آن رهنمون می‌شود این است که سرمایه اجتماعی چگونه می‌تواند باعث توانمندسازی زنان محله‌های اسکان غیررسمی تبریز در شرایط بازار کار منعطف شود؟

## ۲. پیشینه و مبانی نظری تحقیق

### ۲.۱. ۱. انباشت منعطف، پساوردیسم و ماهیت منعطف

#### بازار کار شهری

نظام نوین تجدیدساختار شده انباشت سرمایه با اصطلاحات گوناگونی مثل پساوردیسم یا سرمایه‌داری سازمان‌یافته شناخته می‌شود. آغاز پساوردیسم یا پایان سرمایه‌داری سازمان‌یافته مستلزم دور شدن از تولید انبوه و مصرف انبوه است، گردش به سمت اقتصاد خدماتی و اطلاعاتی، تحلیل رفتن و چندپارگی طبقه کارگر، چندپارگی نهضت مخالفت به صورت نهضت‌های اجتماعی نامتمرکز، احیای فردگرایی، البته به شکل تاجری/ریگانی. (لش، ۱۳۸۸: ۵۹). هر لحظه در کشورهای بیشتری خبرها حاکی از تولید انعطاف‌پذیر، بازسازی ساختار مدیریت، پساوردیسم، کوچک شدن شرکت‌ها و کاهش کارکنان آنها است (ریف کین، ۱۳۹۰: ۲۲). چرخش به سمت نظام انباشت پساوردیستی چرخشی است از تولید انبوه به تولید انعطاف‌پذیر و از مصرف انبوه به مصرف اختصاصی. جزو لاینفک چرخش پساوردیستی از مصرف توده‌ای به مصرف اختصاصی چالش‌هایی است که پیش روی دولت رفاهی قرار می‌گیرد. چالش‌هایی که از هر دو موضع چپ و راست با کلیت و توده‌واری بوروکراسی‌های دولت رفاهی پیش کشیده می‌شوند، چالش‌هایی هستند که الگویی از مصرف اختصاصی ارایه می‌دهند. در اینجا از یک سو صور فردگرایانه و از سوی دیگر صور اجتماع‌گونه مصرف مطرح می‌شوند. هر دو صورت این مصرف رفاهی اختصاصی کم‌ویش از طریق بازار عمل می‌کنند؛ یعنی هر دو چالشی با برنامه‌ریزی متمرکز و بوروکراتیک

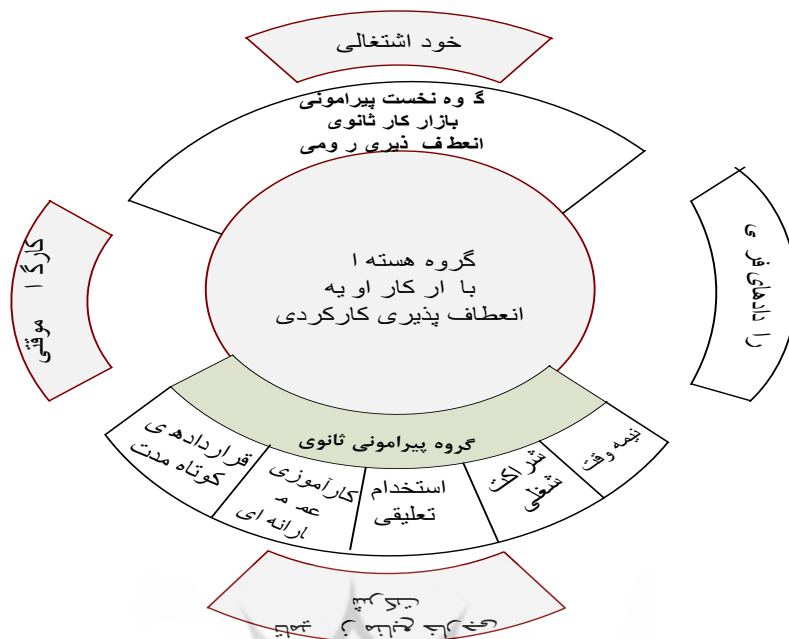
تولید خدمات رفاهی به شمار می‌آیند. تفاوت در این است که شکل فردگرایانه از طریق بازارهای کالاوار شده عمل می‌کند در حالی که شکل اجتماع‌گونه مبتنی بر چیزی است که می‌توان آن را بازارهای «غیرکالاوار» نامید (همان: ۶۱). دیوید هاروی با پیروی از مکتب نظم‌بندی<sup>۱</sup> فرانسوی، پست مدرنیته را به عنوان گذار از فوردیسم به انباشت انعطاف‌پذیر توصیف می‌کند؛ یعنی تولید انبوه کالاهای استاندارد و شکل‌های نیروی کار مرتبط با آن جای خود را به انعطاف‌پذیری داده‌اند؛ یعنی شکل‌های جدید تولید مانند تولید مبتنی بر کارگاه، مفهوم گروهی و تولید به موقع، تنوع‌بخشی کالاها برای بازارهای خاص، نیروی کار انعطاف‌پذیر، سرمایه متحرک و غیره، همه با فناوری‌های اطلاعاتی جدید امکان‌پذیر می‌شوند (سینز وود، ۱۳۸۳: ۸۷). انباشت منعطف در تقابل با تصلب فوردیسم مشخص می‌شود. این انعطاف با توجه به فرآیندهای کار، بازارهای کار، محصولات و الگوهای مصرف مطرح می‌شود. در حوزه تولید انباشت منعطف شامل تولید فراملی/جهانی، جریان‌های تولید کوچک‌مقیاس، مصرف مبتنی بر تقاضا و بازار، فرآیندهای انعطاف‌پذیر، مدیریت جامع کیفیت (مشارکت کارگران)، قراردادهای انفرادی و مبتنی بر مکان می‌شود و در حوزه فرآیندهای کار محمل مشاغل چندگانه، سازمان‌دهی افقی کار، ساعت‌های انعطاف‌پذیر کار و قراردادهای پرداخت، سرمایه‌گذاری و توافقات محلی و قراردادهای انفرادی نسبت به احکام ملی و کارگران مرکزی<sup>۲</sup> پیرامونی به عنوان تقسیم جدید کار است (Thorns, 2002: 71). در عین حال، گذار از تصلب فوردیستی به فرآیندهای منعطف پساوردیستی، متضمن هزینه‌های بسیاری است.<sup>۲</sup> انباشت منعطف به ظاهر به سطوح نسبتاً بالایی از بیکاری

## 1. Regulation

۲. جان کلهون می‌نویسد: فاصله میان زوال امر قدیمی و شکل‌گیری و استقرار امر نو دوره‌ای از گذار است که همواره و به شکلی اجتناب‌ناپذیر دوره‌ای از بلاتکلیفی، آشفتگی، خطا، فنانیسم وحشی و خشم‌آلود است.

ساختاری (در تعارض با بیکاری عارضی)، تخریب سریع و بازسازی مهارت‌ها، مزیت‌های ناچیز در دستمزدها و کاهش قدرت اتحادیه‌ها - یکی از ارکان سیاسی نظام فوردیستی<sup>۵</sup> دلالت داشت (هاروی، ۱۳۹۰: ۱۹۹-۲۰۰). تحت این شرایط، بازار کار متحمل بازسازی بنیادی شد. کارفرمایان در مواجهه با رقابت کشنده، تزلزل شدید بازار و حاشیه‌های نزولی سود از تضعیف قدرت اتحادیه‌ها و منابع مازاد (بیکاران و نیمه‌بیکاران) برای پیشبرد رژیم‌های منعطف‌تر و قراردادهای کار بهره بردند. نظام‌هایی نظیر نه روز در دو هفته، یا چهل ساعت کار در هفته طی سال و تعهد مستخدم به کار بیشتر در دوره‌های اوج تقاضا و جبران آن با ساعات کار کمتر در دوره‌های کاهش تقاضا حتی برای مستخدمان دائمی به امری متداول تبدیل شد. نتیجه، ساختار بازار کاری است که به شکل مجمل با اقتباس از گزارش الگوهای منعطف کار (۱۹۸۶) انستیتو مدیریت پرسنلی در نمودار زیر تصویر شده است. هسته نمودار مذکور مرکب از مستخدمانی با وضعیت کار دائمی و تمام‌وقت و ویژگی محوری و آینده بلندمدت سازمان کاری بود. انتظار نمی‌رفت این گروه با برخورداری از امنیت بالای شغلی، حمایت خوب و دیگر مزایای حاشیه‌ای از قابلیت انعطاف، تطابق و در صورت ضرورت از تحرک جغرافیایی برخوردار باشند. پیرامون دو زیر-گروه نسبتاً متفاوت را در بر می‌گرفت. اولین گروه مستخدمان تمام‌وقت ماهر؛ یعنی مشاغل دفتری، منشیگری و کارهای دستی متعارف و ناماهرتر بودند که به سهولت در بازار کار در دسترس قرار داشتند. این گروه با دسترسی کمتر به فرصت‌های شغلی با گردش کار بالایی تمایز می‌یافت که تقلیل نیروی کار از مجرای ضایعات طبیعی را نسبتاً آسان می‌کرد. گروه دوم پیرامونی با انعطاف‌پذیری بیشتر، طیف گسترده‌ای از مشاغل پاره‌وقت، فصلی، مستخدمان ستادی با قراردادهای ثابت، مشاغل موقت،

قراردادهای فرعی و کارآموزان بخش عمومی متکی بر یارانه با ایمنی شغلی پایین‌تر از گروه نخست را شامل می‌شود. عمده‌ترین تغییرات متوجه افزایش قراردادهای فرعی (بر اساس یافته‌های شورای توسعه اقتصاد ملی، ۷۰ از شرکت‌های بریتانیایی شاهد افزایش شمار قراردادهای فرعی طی سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۵ بودند) یا قراردادهای موقت در اولویت بر کار نیمه‌وقت بودند. این امر از الگویی دیرپا در ژاپن نشأت می‌گرفت که در آنجا حتی به هنگام سیطره فوردیسم، شرکت‌های کوچک به منزله سپری برای حمایت از شرکت‌های بزرگ در مقابل هزینه نوسانات بازار عمل می‌کردند. روند جاری در بازارهای کار باید تقلیل شمار کارگران هسته و اتکای فزاینده بر نیروی کاری باشد که با همان سرعتی که فراخوانده می‌شدند، در مواقع رکود بدون هیچ هزینه‌ای کنار گذاشته شوند. نیروی کار منعطف در بریتانیا با افزایش ۱۶ طی سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۵ به ۸/۱ میلیون نفر رسید، در حالی که مشاغل دائم با کاهش ۶ به ۱۵ میلیون نفر رسید (Financial times, 27 February 1987). در همان دوره تقریباً یک‌سوم از ده میلیون شغل جدید در ایالات متحده موقت بودند (New York Times, 17 march 1988). دگرگونی ساختار بازار کار با تغییرات قابل توجهی در سازمان صنعتی همراه شد؛ برای مثال قراردادهای فرعی فرصت‌هایی را برای تشکیل کسب‌وکارهای کوچک فراهم ساخت و در برخی موارد این امکان را فراهم آورد که نظام‌های کار قدیمی از جمله نظام کار خانگی، پیشه‌وری، خانوادگی (پدرسالار) و پدرسالارانه (پدرشاهی، اربابی و حتی مافیائگونه) به منزله محور و نه ضمایم نظام تولید شکوفا شوند (همان) و عملاً در تمام کشورهای صنعتی جهان، کار انبوه در بازار کنار گذاشته شده است (ریف کین، ۱۳۹۰: ۱۹).



شکل ۱- ساختار بازار کار در شرایط انباشت منعطف

مأخذ: هاروی، ۱۳۹۰: ۲۰۴

## ۲.۲.۱. فضای جغرافیایی، سرمایه اجتماعی و توانمند-

### سازی<sup>۱</sup> زنان در بازار کار منعطف

پیر بوردیو نخستین تحلیل منظم اخیر را درباره سرمایه اجتماعی ارائه کرده است. بوردیو این مفهوم را به عنوان «حاصل جمع منابع بالفعل و یا بالقوه‌ای که به مالکیت شبکه پایدار مناسبات کمابیش نهادی شده ارتباط یا شناخت متقابل مربوط-اند» تعریف کرده است (Bourdieu, 1985: 248). به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی شامل جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که کنش جمعی را تسهیل کرده (Suzuki, 2010: 1368) و منابعی را جهت دستیابی مردم به اهدافشان در اختیار می‌گذارد (Chuang, 2008: 1322). رابرت پوتنام اندیشمند علوم سیاسی، اصطلاح سرمایه اجتماعی را به مفهوم وسیعی به کار می‌گیرد و آن را این چنین تعریف می‌کند: «جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی همانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد که همیاری و همکاری برای دسترسی به منافع متقابل را تسهیل می‌کند» (همان) و زمینه دستیابی به کالای عمومی را فراهم

می‌آورد (Maru; Macalister; Smith; Stafford, 2007: 183). تعریف او به مزایای جمعی شبکه‌های اجتماعی (Snelgrove, 2009: 1993; Jones, 2010: 123) و ابعاد انسجام اجتماعی همانند اعتماد بین فردی و هنجارهای معامله به مثل (Carpiano, 2008: 569) توجه دارد و شامل ویژگی‌ها و کیفیات روابط اجتماعی است (Folland, 2007: 2343). حضور مداوم زنان در خانه و محله‌های غیررسمی، شبکه اجتماعی جنسیت‌مدار<sup>۲</sup> گسترده‌ای را تولید می‌کند که مسبوق به ماهیت فضای جغرافیایی محله است؛ به عبارت دیگر، تولید سرمایه اجتماعی و فضای جغرافیایی رابطه متقابل با یکدیگر برقرار می‌کنند. سرمایه اجتماعی در تعامل با کالبد فضای شهری از مؤثرترین و فراگیرترین الگوهای است که می‌تواند مبنای راهبرد فوق قرار گیرد، شکل‌گیری اولیه روابط اجتماعی و همسایگی و رودررو در فضا صورت می‌گیرد که تداوم آن در نهایت باعث به وجود آمدن سرمایه اجتماعی می‌شود. فضای

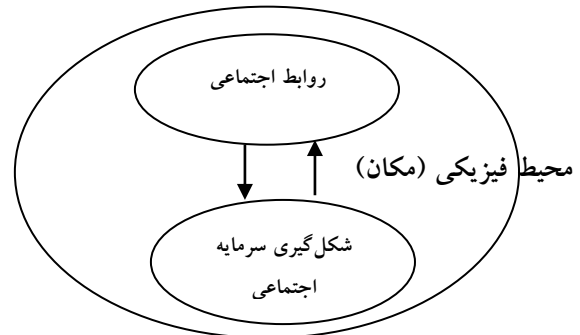
اتحادیه‌های کارگری و مرکزیت‌زدایی از سازمان و ساختارهای کلان، از این رو، سرمایه اجتماعی زنان محله‌های اسکان غیر-رسمی ابزار مناسبی برای فعالیت در بازار کار منعطف و نیز افزایش توان چانه‌زنی در برابر کارفرما است. همچنین، سرمایه اجتماعی، عنصر مهمی در توانمندسازی و ظرفیت‌سازی زنان محله‌های اسکان غیررسمی است (پیری، نادرزالی و تقی‌لو، ۱۳۸۹). ایشان از رهگذر پشتیبانی متقابل و نیز اعتماد و معامله به مثل از طریق دارایی‌های حداقلی که در اختیار دارند، امکان تسهیم دانش و نیز تسهیم ریسک‌های سرمایه‌گذاری را به وجود می‌آورند.

## ۲. روش‌شناسی تحقیق

۲.۱ روش تحقیق: روح کلی حاکم بر روش‌شناسی تحقیق حاضر استدلال قیاسی و محک تجربی است؛ به عبارتی، با توجه به ادبیات نظری موجود در ارتباط با متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی) و متغیر وابسته (توانمندسازی) به تحلیل رابطه بین آنها به روش پیمایش میدانی اقدام کرده‌ایم. با توجه به گستردگی میدان عملیاتی تحقیق و احتمال دخالت متغیرهای ناخواسته و گریز از یک‌سونگری<sup>۳</sup> که مبتلا به اغلب تحقیقات علوم اجتماعی است، تلاش فراوانی به کار برده‌ایم تا شاخص‌های انتخاب‌شده دقیقاً متناظر با متغیرهای مورد نظر باشد و با استفاده از الگوی ۵ طیفی لیکرت (کاملاً موافقم ۵ و کاملاً مخالفم ۱) در قالب یک پرسش‌نامه، گویه‌های سنجنده هر شاخص مطرح شده است.

۳.۷ مدل مفهومی تحقیق: این مدل نشان‌دهنده مؤلفه‌های متغیر مستقیم و وابسته تحقیق است (شکل ۳).

شهری با عناصر نمادین معماری و پهنه شکل‌گیری توده و فضا به مثابه ظرف عوامل تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی عمل می‌کند (پیری، ۱۳۸۴: ۲۵) (شکل ۲).

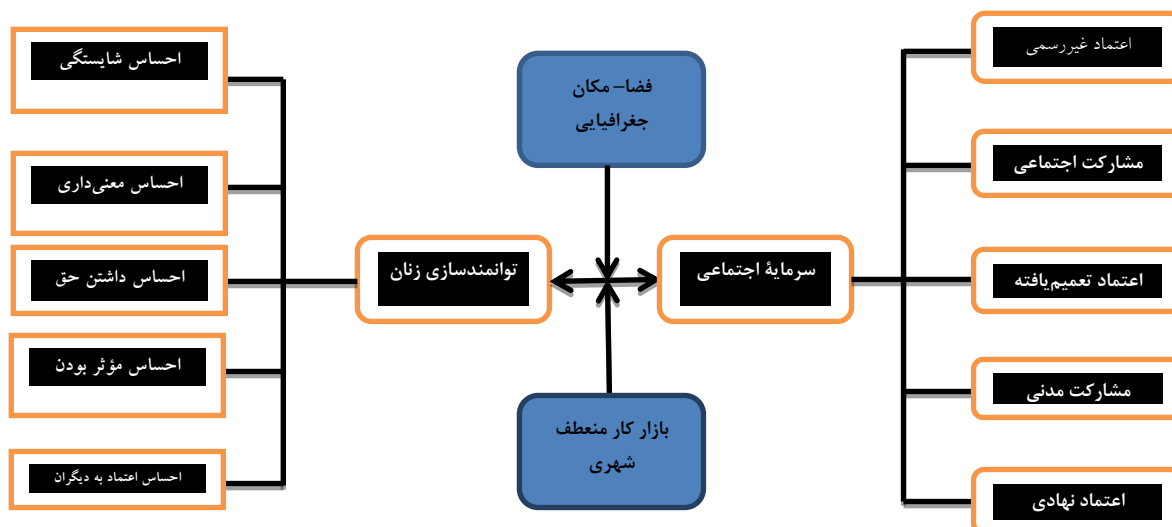


شکل ۲- فضای جغرافیایی به مثابه ظرف تشکیل سرمایه اجتماعی

مأخذ: خاکپور و پیری، ۱۳۸۴: ۲۵

هر چند که از نظر جیمز کلنن و رابرت پوتنام سرمایه اجتماعی واجد ارزش درون ذاتی است و ماهیت ابزاری ندارد؛ اما در این تحقیق به منظور توانمندسازی زنان محله‌های اسکان غیررسمی مورد بهره‌برداری نظری قرار می‌گیرد. واژه توانمندسازی در بافت‌های اجتماعی- فرهنگی و سیاسی مختلف معانی متفاوتی را به خود می‌گیرد که شامل کنترل، قدرت متکی به خود، اتکا به خود، انتخاب، زندگی شرافتمندانه مطابق با ارزش‌های خویش، ظرفیت چالش و مقابله بر سر حقوق خویش، آزادی، آگاهی و توانایی است که در درون نظام‌های ارزشی و عقیدتی جای دارد (Narayan, 2002: 13-14). با این حال، بانک جهانی تعریف رسمی این واژه را این چنین بیان کرده است: «توانمندسازی عبارت است از گسترش دارایی‌ها و توانایی‌های افراد فقیر به منظور مشارکت، چانه‌زنی، تأثیرگذاری، کنترل و حفظ مؤسسات پاسخ‌گویی که زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند (همان: ۱۴). بازار کار منعطف مسبوق به گذار به انباشت منعطف و پساوردیسم است. با توجه به اقتصاد سیاسی پساوردیسم و تضعیف قدرت

1. self- power  
2. self-reliance



شکل ۳- مدل مفهومی تحقیق

## ۲.۲. فرضیه‌های تحقیق

۲.۲.۱ - سرمایه اجتماعی تأثیر معنی‌داری در توانمندسازی زنان

سکونت‌گاه‌های غیررسمی تبریز در بازار کار منعطف شهری دارد.

۲.۲.۲ - تشکیل تعاونی‌های مکان-مبنا در بین زنان محله‌های غیر-

رسمی تبریز مسبوق به سرمایه اجتماعی است

## ۳.۲. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق، محله‌های اسکان غیررسمی کلان-

شهر تبریز است که با توجه به گستردگی پهنه‌های فضایی مشتمل

بر اسکان غیررسمی، چهار محله به نام‌های ملا زینال، سیلاب،

قوش‌خانه و خلیل‌آباد به عنوان نمونه جهت مطالعه انتخاب شده-

اند. روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای خوشه‌ای و سیستماتیک است

که در ابتدا خوشه‌های مورد نظر انتخاب و سپس، به روش

نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک جمعیت پاسخ‌گو انتخاب شده-

اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول عمومی کوکران و با سطح

۲.۲.۱ اطمینان ۹۹ درصد و مقدار دقت احتمالی ۰/۰۱، به تعداد ۱۲۰

نفر انتخاب شده است.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{2 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

## ۳. یافته‌های تحقیق

۳.۱. محله‌های اسکان غیررسمی نمونه آماری

۳.۱.۱. جمعیت

در این مطالعه چهار محله اسکان غیررسمی تبریز به نام‌های

ملا زینال، احمدآباد، قوش‌خانه و خلیل‌آباد مورد مطالعه و

پیمایش میدانی قرار گرفته‌اند. مجموع جمعیت آنها ۸۹۸۳۶ نفر در

سال ۱۳۸۵ ثبت شده است که میانگین نسبت جنسی ۱۰۴ است

و تعداد جمعیت زنان در مجموع ۴۳۹۱۷ از کل جمعیت محله-

های فوق است.

## جدول ۱- جمعیت به تفکیک زن و مرد و نسبت جنسی محله‌های هدف-۱۳۸۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

شرح	مرد و زن	مرد	زن	نسبت جنسی
شهر تبریز	۱۴۴۸۶۵۳	۷۴۲۳۲۳	۷۰۶۳۳۰	۱۰۵
کل ۴ محله	۸۹۸۳۶	۴۵۹۱۹	۴۳۹۱۷	۱۰۴
ملا زینال	۱۲۷۷۶	۶۵۱۶	۶۲۶۰	۱۰۵
احمدآباد	۱۳۸۳۸	۷۰۵۷	۶۷۸۱	۱۰۳
قوش‌خانه	۲۵۵۰۹	۱۳۰۱۰	۱۲۴۹۹	۱۰۴٫۷
خلیل‌آباد	۳۷۷۱۸	۱۹۲۳۶	۱۸۴۸۲	۱۰۵٫۶

## ۳.۱.۲. وضعیت اشتغال نمونه آماری

عمدتاً مربوط به صنایع دستی، قالی‌بافی، آرایشگری زنان و غیره برخوردارند که نیازمند امکانات مالی متناسب با وضعیت اقتصادی و درآمدی آنها و همچنین توجه بازار است. با این حال، جدول زیر با توجه به پاسخ‌های داده شده بدون دخل و تصرف استخراج شده است.

جامعه زنان محله‌های اسکان غیررسمی مورد بررسی به علت پایین بودن سطح سواد و همچنین، موانع فرهنگی موجود عمده‌تاً خود را بیکار تلقی می‌کنند، در حالی که ما متوجه شدیم که از توانمندی‌های متنوعی برخوردارند که

جدول ۲- وضعیت فعالیت نمونه آماری

مجموع	وضعیت فعالیت (درصد)					محله‌های هدف
	سایر	خانه دار	غیرشاغل دارای درآمد	محصل	بیکار	
۱۰۰	-	۷۸	-	-	۵	سیلاب
۱۰۰	-	۸۰	۳	-	۶	احمدآباد
۱۰۰	-	۸۵	-	-	۶	ملازینال
۱۰۰	-	۸۴	۲	-	۴	خلیل آباد

شخصی که عمده‌تاً توسط زنان صورت می‌گیرد، از منابع عمده درآمدی به حساب می‌آید. در این تحقیق محل اشتغال زنان خانوار به شرح زیر آمده است.

۳.۱.۳. توزیع نیروی کار زن محله‌های اسکان غیر- رسمی نمونه بر حسب محل کار و نوع قراردادهای کار: در محدوده محله‌های مورد بررسی، قالی‌بافی در منزل

جدول ۳- توزیع شاغلان بر حسب محل کار (به درصد)

محل کار	سیلاب	ملازینال	خلیل آباد	احمد آباد
منزل خود	۷۱/۹	۷۴	۶۷	۷۴
کارگاه در محله	۷	۱۵	۱۴	۱۴/۱
منزل کس دیگر	۲	۲	۳	۴/۸
کارگاه در محله‌های دیگر	۱/۲	-	-	۱/۱
با خودرو	-	-	۲	-
خانه به خانه	۷	۷	۵	۱
خرده‌فروشی	۸	۲	۹	۵
شغل رسمی دولتی	۲	-	-	-
مجموع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰



جدول ۴- انواع قرارداد کار و گردش سرمایه در بین زنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی نمونه

نوع قرارداد کار	سیلاب		ملازمتال		خلیل‌آباد		احمدآباد	
	بدون بیمه	دارای بیمه	بدون بیمه	دارای بیمه	بدون بیمه	دارای بیمه	بدون بیمه	دارای بیمه
قرارداد فردی با پیمانکار	۳۶	۲	۲۷	-	۲۹	۱۴	۲۳/۰۵	-
قرارداد جمعی با پیمانکار	۱۴	۱۲	۹	۱۲	۱۲	۸	۱۲	۱۹
استخدام پیمانی	-	-	-	-	-	-	-	-
خود- اشتغالی	۸	-	۱۱	-	۲/۵	-	۶۳	-
تعاونی مبتنی بر کارگاه	-	۱۸	-	۱۵	-	-	۱۰/۶۵	-
روزمزد	۲۰	-	۲۶	-	۳۴/۵	-	۲۹	-
مجموع	۱۰۰		۱۰۰		۱۰۰		۱۰۰	

## ۲.۳. آزمون فرضیه‌ها

## فرضیه اول:

میانگین ضریب آلفا کرونباخ که از تحلیل همبستگی سازه‌ها یا

گویه‌های مطرح‌شده در پرسش‌نامه با فرضیه فوق است عدد

۰/۷۸۹ به دست آمده است (جدول ۵) که از آزمون همبستگی

اسپیرمن برای سنجش رابطه آنها بهره گرفته شد (جدول ۶).

H1: سرمایه اجتماعی تأثیر معنی‌داری در توانمندسازی زنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی تبریز در بازار کار منعطف شهری دارد.

H0: سرمایه اجتماعی تأثیر معنی‌داری در توانمندسازی زنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی تبریز در بازار کار منعطف شهری ندارد.

جدول ۵- آزمون پایایی فرضیه اول

		فراوانی	درصد
Cases	Valid		/
	Excluded		/
	Total		/

## Reliability Statistics

Cronbach s Alpha	N of Items
/	

جدول ۶- نتایج ضریب همبستگی فرضیه اول

رتبه سرمایه اجتماعی	آزمون آماری	متغیرها
۱	همبستگی اسپیرمن	میزان سرمایه اجتماعی (متغیر مستقل)
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری (sig)	
۱۲۰	تعداد	
۰/۶۰۵	همبستگی اسپیرمن	توانمندسازی زنان (متغیر وابسته)
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری (sig)	
۱۲۰	تعداد	

- نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بین میزان سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زنان در محله‌های اسکان غیررسمی شهر تبریز رابطه معنی‌داری وجود دارد. میزان ضریب همبستگی ( $r=605$ ) به دست آمده با فراوانی ۱۲۰ نفر در سطح آلفای ۱ معنی‌دار است. همچنین، با توجه به جدول، سطح معنی‌داری ( $sig=000$ ) از سطح آلفای ۱ کمتر است. پس با اطمینان ۹۹ فرض  $H1$  تأیید و فرض  $H0$  رد می‌شود.
- فرضیه دوم:
- $H1$  - تشکیل تعاونی‌های مکان-مبنا در بین زنان محله‌های غیررسمی تبریز مسبوق به سرمایه اجتماعی است
- $H0$  - تشکیل تعاونی‌های مکان-مبنا در بین زنان محله‌های غیررسمی تبریز مسبوق به سرمایه اجتماعی نیست
- میانگین ضریب آلفا کرونباخ برای فرضیه دوم عدد  $0/654$  به دست آمده است (جدول ۷) که از آزمون همبستگی اسپیرمن برای سنجش رابطه آنها بهره گرفته شد (جدول ۸).

جدول ۷- آزمون پایایی فرضیه دوم

		فراوانی	درصد
Cases	Valid		/
	Excluded		/
	Total		/

Reliability Statistics

Cronbach s Alpha	N of Items
/	

جدول ۸- نتایج ضریب همبستگی فرضیه اول

متغیرها	آزمون آماری	رتبه سرمایه اجتماعی
میزان سرمایه اجتماعی (متغیر مستقل)	همبستگی اسپیرمن	۱
	سطح معنی‌داری (sig)	۰/۰۰۰
	تعداد	۱۲۰
تعاونی مکان-مبنا (متغیر وابسته)	همبستگی اسپیرمن	۰/۵۷۱
	سطح معنی‌داری (sig)	۰/۰۰۰
	تعداد	۱۲۰

- نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بین میزان سرمایه اجتماعی و تشکیل تعاونی‌های مکان-مبنا در بین زنان محله‌های اسکان غیررسمی شهر تبریز رابطه معنی‌داری وجود دارد. میزان ضریب همبستگی ( $r=571$ ) به دست آمده با فراوانی ۱۲۰ نفر در سطح آلفای ۱ معنی‌دار است. همچنین، با توجه به جدول، سطح معنی‌داری ( $sig=000$ ) از سطح آلفای ۱ کمتر است. از این رو، می‌توان با اطمینان ۹۹ ادعا کرد که فرض  $H1$  تأیید و فرض  $H0$  رد می‌شود.

## ۴. نتیجه‌گیری

شده است، قراردادهای مبتنی بر کارگاه از اقبال بیشتری برخوردار بوده است، علت عمده آن استفاده از مزیت‌های کنش جمعی مسبوق به سرمایه اجتماعی، اعمال بیمه کار و همچنین هم‌سوئی با انگاره‌های فرهنگی مردسالارانه حاکم بر محله‌های اسکان غیررسمی است. همچنین، مفهوم نظری تعاونی مکان-مبنا در خلأ صورت نمی‌گیرد؛ بلکه به پراکسیس اجتماعی<sup>۳</sup> کنش جمعی زنان محله‌های اسکان غیر-رسمی متصل می‌شود. با توجه به سیاست‌های پولی و بانکی و اذعان دولت به حمایت از فعالیت‌های خانگی، امکان تأمین مالی و راه‌اندازی تعاونی‌های مکان-مبنا وجود دارد. چنانکه اشاره شد، تسهیم دانش به منظور تولید در کارگاه‌های تعاونی مکان<sup>۴</sup> مبنا یکی از کاربردهای سرمایه اجتماعی است. تسهیم ریسک‌های سرمایه‌گذاری با توجه به منابع محدود مالی نیز از کارکردهای این نوع سرمایه است.

سرمایه اجتماعی، عنصر اساسی توانمندسازی زنان محله-های اسکان غیررسمی در بازار کار منعطف شهری است. با توجه به انتقاداتی که نئومارکسیست‌هایی همچون دیوید هاروی بر ماهیت استعماری این نوع بازار کار از منظر رابطه کارگر- کارفرما بیان کرده‌اند؛ اما باید اذعان کنیم که یکی از موانع عمده ورود زنان محله‌های اسکان غیررسمی به بازار کار فوردیستی و نامنعطف، قراردادهای انبوه و مبتنی بر تخصص-های مورد نظر کارفرما و بازار بود؛ اما شکل‌گیری الگوی اقتصاد تنوع<sup>۱</sup> به جای اقتصاد مقیاس<sup>۲</sup>، فرصت بازاری مناسبی برای طیف متنوعی از مهارت‌های زنان محله‌های اسکان غیر-رسمی فراهم آورده است که در دوره فوردیسم نه از طرف کارفرمای صنعتی و نه بازار کار، مورد توجه و تقاضا قرار نمی‌گرفت. بر ساخته نظری ما برای تعامل فضای جغرافیایی، سرمایه اجتماعی، بازار کار منعطف شهری و توانمندسازی زنان، تعاونی‌های مکان<sup>۵</sup> مبنا است. در مدل مفهومی تحقیق این موضوع بیان شده است که تأثیر سرمایه اجتماعی به منظور توانمندسازی زنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی در شرایط بازار کار منعطف و فضای جغرافیایی صورت می‌گیرد. همچنین، سرمایه اجتماعی مانع از برخی از مفرهای بیمه‌ای کارفرما در قراردادهای کار فرعی می‌شود. تحلیل جدول (۴) نشان می‌دهد که قراردادهای جمعی با پیمانکار در اغلب موارد با بیمه کار همراه است؛ اما در قراردادهای فرعی و خوداشتغالی اغلب بیمه اعمال نمی‌شود. همچنین، این جدول نشان داده است که در صورتی که امکان کار در خارج از خانه برای زنان فراهم

## 1. Economics of scope

(عواملی که تولید مجموعه متنوعی از کالاها را به جای یک کالای منفرد

سودمندتر می‌سازد)

## 2. Economies of scale

## 3. Social praxis

## کتاب نامه

۱. خاکپور، ب.ع؛ پیری، ع. (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی اجتماعی شهر و نقش سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی شهروندان در کاهش آن (دیدگاهی جغرافیایی). *مجله علوم اجتماعی*. دوره دوم. شماره ۲. صص. ۱۳-۳۰.
۲. پیری، ع. (۱۳۹۰). تبیین علمی حکمروایی مطلوب و کارایی ارتباطی شهر (مطالعه موردی: نظام شهری استان آذربایجان شرقی). پایان‌نامه دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه تبریز.
۳. پیری ع؛ نادر زالی؛ تقی لو، ع. ا. (۱۳۸۹). امکان‌سنجی به‌کارگیری رهیافت توانمندسازی در سامان‌دهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی (نمونه موردی: ناحیه اسکان غیررسمی گلشهر مشهد). *مجله پژوهش‌های شهری*. شماره ۹. صص ۲۵-۴۲.
۴. کرایب، ی. (۱۳۸۸). *نظریه اجتماعی کلاسیک؛ مقدمه‌ای بر اندیشه مارکس، وبر، دورکهم، زیمل*. ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: نشر آگه.
۵. سعیدی کیا، م. (۱۳۸۸). *اصول و مبانی کارآفرینی*. تهران: انتشارات کیا، تهران.
۶. سن، ای. (۱۳۹۰). *توسعه یعنی آزادی*. ترجمه سید محمد سعید نوری نائینی. تهران: نشر نی.
۷. وود، ای. ام. (۱۳۸۳). *مدرنیته، پست‌مدرنیته یا سرمایه‌داری؟* ترجمه احمد میرعابدینی. *فصل‌نامه اقتصاد سیاسی*. سال دوم. شماره سوم. صص ۳۱-۴۶.
۸. لش، اس. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر مرکز.
۹. ریف کین، جی. (۱۳۹۰). *پایان کار؛ زوال نیروی کار جهانی و طلوع عصر پس‌بازار*. ترجمه حسن مرتضوی. تهران: نشر کتاب آمه.
۱۰. نوذری، ح.ع. (۱۳۸۰). *پست‌مدرنیته و پست‌مدرنیسم؛ تعاریف، نظریه‌ها و کاربردها*. تهران: انتشارات نقش جهان.
۱۱. هاروی، دی. (۱۳۹۰). *وضعیت پسامدرنیته؛ تحقیق در خاستگاه‌های تحول فرهنگی*. ترجمه عارف اقوامی مقدم. تهران: نشر پژوها.
12. Bourdieu, P. (1985). The forms of capital. In J. G. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241-258). New York, NY: Greenwood Press.
13. Carpiano, R. M. (2008). Actual or potential neighborhood resources and access to them: testing hypotheses of social capital for the health of female caregivers. *Social Science and Medicine*, 67(4), 568-582.
14. Chuang, Y. C., & Chuang, K. Y. (2008). Gender differences in relationships between social capital and individual smoking and drinking behavior in Taiwan. *Social Science and Medicine*, 67(8), 1321-1330.
15. Folland, S. (2007). Does community social capital contribute to population health? *Social Science and Medicine*, 64, 2342-2345.
16. Huang, J., Brink, M. V. D., & Groot, W. (2009). A meta-analysis of the effect of education on social capital. *Economics of Education Review*, 28, 454-464.
17. Jones, N. (2010). Environmental activation of citizens in the context of policy agenda formation and the influence of social capital. *Social Science Journal*, 47(1), 121-136.
18. Maru, Y. T., Macalister, R. R., Smith, M., & Stafford, S. (2007). Modelling community interactions and social capital dynamics: The case of regional and rural communities of Australia. *Agricultural Systems*, 92(1-3), 179-200.
19. Narayan, D. (2002). *Empowerment and poverty reduction: A sourcebook*. Washington, DC: World Bank Publications.
20. Suzuki, E., Takao, S., Subramanian, S. V., Komatsu, H., Doi, H., & Kawachi, I. (2010). Does low workplace social capital have detrimental effect on workers' health? *Social Science and Medicine*, 70(9), 1367-1372.
21. Thorns, D. C. (2002). *The transformation of cities: Urban theory and urban life*. London, England: Palgrave Macmillan.